

## شیوه‌های مدیریتی پیامبر ﷺ در هم‌گرا کردن بازار مدینه با آموزه‌های اقتصادی اسلام

هدیه تقوی\*

### چکیده

اهمیت مبادلات تجاری در حجاز قبل از اسلام، تأسیس بازارهای متعدد در شهرهای مختلف از جمله یشرب را به همراه داشت که با سازوکارهای قبیل‌ای اداره می‌شد. با ظهور اسلام آموزه‌های اقتصادی در زمینه‌های مختلف تجاری، معاملاتی، عرضه و تقاضا و ... ارائه گردید که در موارد متعدد با سنت‌های قبلی همخوانی نداشت، و در مسیر اجرایی با مشکلات عدیده مواجه شد. این مقاله درصدد است با رویکردی توصیفی - تبیینی و با استفاده از شاخص‌های نظری علم مدیریت به این سؤال پاسخ دهد که با توجه به پیشینه ذهنی اقتصادی مردم، چگونه رسول اکرم ﷺ تلاش داشتند بازار مدینه را با آموزه‌های اقتصادی اسلام هم‌گرا کنند؟ به نظر می‌رسد، رسول اکرم ﷺ با سازوکارهای مدیریتی از جمله: منفک کردن بازار مسلمانان از یهودیان، ارائه قوانین مربوط به بازار متناسب با آموزه‌های دینی، نظارت و کنترل بر قیمت‌ها، کیفیت کالاها و ... تلاش کردند، الگوی عملی از بازار هم‌گرا با آموزه‌های دینی به اجرا گذارند.

### واژگان کلیدی

رسول اکرم ﷺ، آموزه‌های اقتصادی اسلام، بازار مدینه، شیوه مدیریتی، اصناف.

h.taghavi@alzahra.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۲۸

\*. استادیار دانشگاه الزهراء ع.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۳

## طرح مسئله

موقعیت جغرافیایی جزیره‌العرب، شرایط مناسبی برای ارتباطات تجاری مردم با مراکز مهم اقتصادی برون مرزی در شمال و جنوب ایجاد کرده بود. این امر در منطقه حجاز، به‌ویژه بعد از اقدامات اقتصادی «هاشم بن عبدمناف»، مردم را از بن بست‌های اقتصادی بیرون آورد و با تأسیس بازارهای متعدد در شهرهای مکه و یثرب به رونق اقتصادی آنان کمک کرد. از آنجایی که این شهرها در مسیر تجاری یمن و شام قرار داشتند، بازارهای موجود محل رفت و آمد تجار، بازرگانان و مبادله کالاهای وارداتی و صادراتی شد، اما اداره آنها منوط به قوانین و مسئولان مناسبی بود تا از آشفتگی بی‌نظمی در بازار جلوگیری کنند. این دو عامل قبل از اسلام مورد توجه قرار گرفت و مسئولیت بازارها به خاندان‌های مختلف واگذار گردید.<sup>۱</sup> قوانین مربوط به بازار نیز برگرفته از سنت‌های اقتصادی رایج در جامعه بود، که بیش از هر کس توسط مجریان اقتصادی - که اقلیت تاجر و ثروتمند جامعه بودند- ارائه شده بود. براساس شواهد موجود، بخشی از این معاملات به گونه‌ای صورت می‌گرفت که خریداران بدون شناخت نسبت به کالای مورد نظر به صرف لمس کردن یا انداختن سنگ‌ریزه‌ای بر آن مجبور به خرید می‌شدند.<sup>۲</sup> این قوانین در کنار احتکار کالا، تجمع ثروت در دست یک اقلیت و ... سلامت اقتصادی بازار را زیر سؤال برده بود.

سنت‌های رایج اقتصادی در بازارهای جزیره‌العرب تا دوره اسلامی تداوم داشت و پس از هجرت مسلمانان به مدینه، فضای مناسبی برای تأسیس بازار و اداره آن با سازوکارهای اسلامی فراهم شد. با وجود این، اجرایی کردن آموزه‌های جدید، مستلزم مقابله با سنت‌های قبلی بود که در باور ذهنی مردم آن دوره و حتی مسلمانان نهادینه شده بود. این مسئله امکان ایجاد چالش‌های اقتصادی در بازار را فراهم می‌آورد. در چنین شرایطی اتخاذ شیوه‌های مدیریتی مناسب به نحوی که با کمترین چالش و بیشترین بازدهی همراه باشد، می‌توانست، راه برون‌رفت از این وضعیت دشوار را هموار سازد. با در نظر گرفتن اهمیت این مسئله، رسول اکرم ﷺ تلاش داشتند، با اتخاذ شیوه‌های مدیریتی، اقدامات مناسب جهت ایجاد سلامت اقتصادی بازار را که محل رجوع مردم در هر سطح اقتصادی و اجتماعی بود، انجام دهند.

نظریه‌پردازان حوزه مدیریت معتقدند، مدیریت پیش‌بینی جریان‌ات و برنامه‌ریزی فعالیت‌های آتی اداره امور جهت نیل به اهدافی معین و مشخص است<sup>۳</sup> که اصول و قواعدی از قبیل: برنامه‌ریزی،

۱. ابن حبیب بغدادی، المحبر، ص ۲۶۴.

۲. همان؛ توحیدی، الامتاع و الموائسه، ص ۷۶.

۳. تبریزی، تئوری‌های مدیریت، ص ۵۶.

سازمان‌دهی، هدایت، کنترل و هماهنگی را می‌طلبد.<sup>۱</sup> تدابیر مدیریتی با کمک این اصول که هر کدام دارای مولفه‌هایی نیز هستند، تحقق پیدا می‌کند.

برنامه‌ریزی، مرحله اول تدابیر مدیریتی است و مؤلفه‌هایی چون: شناخت هدف، اتخاذ خط مشی و روش متناسب با آن دارد، که برای تحقق آن باید وحدت، استمرار، انعطاف و دقت به کار برده شود.<sup>۲</sup> مرحله دوم، سازمان‌دهی است. در این مرحله، متناسب با اهداف و برنامه‌ها، رعایت اصولی مانند: تشکیلات منظم و مرتب، وحدت فرماندهی، تعیین وظایف، مسئولیت‌ها و اتخاذ تصمیم صحیح، ضروری می‌باشد.<sup>۳</sup>

هماهنگی، همکاری، کنترل و نظارت، از دیگر تدابیر مهم مدیریتی است.<sup>۴</sup> دقت در این مرحله و رعایت آن می‌تواند راه رسیدن به اهداف مورد نظر را محقق سازد.

با کمک شاخص‌های مدیریتی مذکور، می‌توان در پاسخ به سؤال مطرح شده (چگونه رسول اکرم ﷺ تلاش داشتند بازار مدینه را با آموزه‌های اقتصادی اسلام هم‌گرا کنند؟) این فرضیه را ارائه داد که رسول اکرم ﷺ با اتخاذ شیوه‌های مدیریتی از جمله: برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، نظارت و کنترل، تلاش کردند بازار مدینه را با آموزه‌های اقتصادی اسلام هم‌گرا کنند.

پژوهش‌های متعددی در زمینه اقتصاد صدر اسلام انجام شده که از جمله آنها می‌توان به کتاب *اقتصادنا* اشاره کرد که به بررسی وضعیت اقتصادی جزیره‌العرب قبل و بعد از اسلام پرداخته شده است.<sup>۵</sup>

سید کاظم صدر در کتاب *اقتصاد صدر اسلام*<sup>۶</sup> تحقیق ارزشمندی در مورد مسائل اقتصادی صدر اسلام از جمله بازار مسلمانان در عصر نبوی انجام داده، اما انواع معاملات، سازمان‌دهی بازار، نظارت و کنترل را به صورت اجمالی مطرح کرده و بسیاری از اقدامات مدیریتی پیامبر ﷺ را بیان نکرده است. ابوالقاسم اجتهادی در کتاب *بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوران اموی* تلاش نموده ابعاد اقتصادی اسلام و سیاست‌های حاکمان از عصر نبوی به بعد را در بعد اقتصادی بیان کند.<sup>۷</sup> علاوه بر آنها، سعید افغانی در *اسواق العرب بر بازارهای قبل و بعد از اسلام* تمرکز داشته و به معرفی آنها

۱. همان، ص ۵۰؛ کاظم‌میر، *اصول مدیریت*، ص ۲۸.

۲. همان، ص ۳۴ - ۳۳.

۳. همان.

۴. همان، ص ۵۲.

۵. صدر، *اقتصادنا*.

۶. صدر، *اقتصاد صدر اسلام*.

۷. اجتهادی، *بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوران اموی*.

پرداخته است.<sup>۱</sup> ابن ادریس نیز در بخشی از کتاب *جامعه مدینه در عصر نبوی* به شکلی بسیار اجمالی به معرفی بازارهای مدینه و دگرگونی آنها در دوره اسلامی اهتمام داشته است.<sup>۲</sup> همچنین در کتاب *نظام الحکومة النبویه*، عبدالحی کتانی به بخش‌هایی از اقتصاد دوره نبوی از جمله بازار و اصناف اشاره کرده است.<sup>۳</sup>

علاوه بر آثار یاد شده، محققان عرب در چند سال گذشته به تدوین آثاری در مورد نظام اقتصادی اسلامی پرداخته‌اند که از جمله آنها کتاب *النظام الاقتصادي فی الاسلام* تألیف نبهانی است که به‌طور کلی اقتصاد اسلامی را از ابعاد تولیدی، پولی، توزیعی و ... بررسی کرده است.<sup>۴</sup> همین شیوه را مرزوقی به همراه همکارانش در کتابی با همین عنوان دنبال کرده و به وضعیت اقتصاد اسلام در بعد فردی، اجتماعی و توزیع و مصرف پرداخته است.<sup>۵</sup> از آثار مستشرقان نیز کتاب *تجارت مکه در آستانه ظهور اسلام* قابل توجه است که تجارت منطقه، به‌ویژه مکه را مورد بررسی قرار داده است.<sup>۶</sup>

همچنین در پایان‌نامه‌ای با عنوان «مدیریت اقشار آسیب‌پذیر در مدینه عصر نبوی» به سیاست‌های اقتصادی پیامبر ﷺ در حمایت از اقشار آسیب‌پذیر پرداخته شده است.<sup>۷</sup>

در آثار مذکور، بازار به‌عنوان یک مکان مهم اقتصادی که چگونگی اداره آن با سلامت اقتصادی جامعه ارتباط تنگاتنگ دارد، مورد توجه قرار نگرفته است. در واقع محققان مذکور در کنار سایر مباحث اقتصادی به صورت گذرا و بدون در نظر گرفتن سازوکارهای مدیریتی به بازار اشاره کرده‌اند. درحالی‌که این مقاله درصدد است با تمرکز بر نحوه اداره بازار با اصول و قوانین اسلامی، تلاش‌های مدیریتی پیامبر ﷺ در این زمینه را به‌عنوان الگوی عملی اسلامی در بازار مورد واکاوی قرار دهد.

### بازارهای مدینه قبل از اسلام

موقعیت جغرافیایی - اقتصادی شهر یترب سبب ایجاد بازارهای متعددی شد که بعضی از آنها مختص قوم، قبیله و یا خاندان‌های خاصی بود و براساس مقررات آنها اداره می‌شد. از جمله آنها، بازار

۱. افغانی، *اسواق العرب فی الجاهلیة و الاسلام*.

۲. ابن ادریس، *جامعه مدینه در عصر نبوی*.

۳. کتانی، *نظام الحکومة النبویه*.

۴. نبهانی، *النظام الاقتصادي فی الاسلام*.

۵. المرزوقی و دیگران، *النظام الاقتصادي فی الاسلام*.

6. Crone, *Meccan trade and the Rise of Islam*.

۷. نظری، *مدیریت اقشار آسیب‌پذیر اقتصادی در مدینه عصر نبوی*.

«حباشه» مختص بنی‌قینقاع بود و در آن خرید و فروش برده صورت می‌گرفت.<sup>۱</sup> به گفته «ابن‌شبه نمیری» علاوه بر این بازار، بازارهای دیگری در ناحیه یثرب، «جسر» در محله بنی‌قینقاع، «صفاصف» در عصبه و «زباله» که به آن «مزاحم» می‌گفتند، نیز وجود داشتند. به گفته مورخان، این بازارها تا سال‌های آغازین ظهور اسلام برپا بودند<sup>۲</sup> و گویا پس از تأسیس بازار مدینه در دوره اسلامی، در آن ادغام شدند.

قبل از اسلام معاملات اقتصادی متعددی در این بازارها صورت می‌گرفت که از جمله آنها می‌توان به؛ «مخاضره»،<sup>۳</sup> «مزاینه»،<sup>۴</sup> «معاومه»،<sup>۵</sup> «محاقله»،<sup>۶</sup> «ملاسه»،<sup>۷</sup> «منابذه»،<sup>۸</sup> «عریه»،<sup>۹</sup> «معامله سنگریزه» و «غرر»،<sup>۱۰</sup> «بیع حبل‌الجبلة»<sup>۱۱</sup> و ... اشاره کرد. این نوع معاملات که می‌توانست به اجحاف در حق عده‌ای و ازدیاد سرمایه عده‌ای دیگر بینجامد، در بازارها انجام می‌شد. شرایط معاملاتی موجود تا پس از هجرت مسلمانان به مدینه وجود داشت و پس از آن رسول اکرم ﷺ با

۱. حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۱۰.

۲. ابن‌شبه نمیری، تاریخ المدینة المنورة، ص ۳۰۵ - ۳۰۴.

۳. این معامله در شرایط کم‌بارانی انجام می‌شد و براساس آن محصولات پیش از رسیدن فروخته می‌شد و کشاورزان از هزینه چیدن محصول و حمل آن به بازار رهایی می‌یافتند. (زییدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۴، ص ۳۵۴؛ ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۲۴۸)

۴. نوعی معامله در قبل از اسلام بود که در آن محصول درخت در بالای درخت به صورت پیمان‌های نامشخص خرید و فروش می‌شد. (ابن‌انس، الموطأ، ص ۳۹۷؛ علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۷، ص ۳۹۷)  
۵. در این معامله شخصی می‌گفت این خرمن گندم را به شما می‌فروشم به استثنای بعضی از آن. این معامله مقدار آن مجهول بود و در دوره اسلامی منع شد. (ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴۳۱)

۶. نیسابوری، صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۷.

۷. در این نوع معامله اگر کسی دست به لباسی می‌زد و آن را لمس می‌کرد، بدون اینکه از کیفیت آن اطلاعی داشته باشد، باید آن را خریداری می‌کرد. (ابن‌انس، الموطأ، ص ۴۲۱؛ قزوینی، سنن ابن‌ماجه، ج ۲، ص ۷۳۳)

۸. این معامله بدین صورت بود که در زمان جاهلیت فروشنده گله‌ای گوسفند می‌آورد و خریدار سنگریزه‌ای پرتاب می‌کرده و به صاحب گوسفندان می‌گفت که این سنگریزه به هر گوسفندی که خورد در برابر فلان مبلغ از آن من است. این نوع معامله در مورد لباس نیز اتفاق می‌افتاد. (ابن‌انس، الموطأ، ص ۴۲۱)

۹. در این معامله خرما چیده شده را با خرما بالایی درخت معاوضه می‌کردند که در دوره اسلامی جایز دانسته نشد. (کلینی، اصول الکافی، ج ۵، ص ۲۷۶؛ طوسی، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، ج ۳، ص ۹۱)

۱۰. در این معامله فروشنده یا خریدار سنگریزه‌ای پرت می‌کرد و معامله انجام می‌گرفت. (نیسابوری، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۳۳۳)

۱۱. این معامله چنین بود که شتر ماده‌ای را می‌خریدند و شرط می‌گذاشتند که هرگاه شتر بچه‌ای بزاید و بعد آن بچه شتر بزاید، آنگاه قیمت آن را بپردازد. (بخاری، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۸۳)

تشکیل بازار مدینه در صدد ممنوعیت و تعدیل این معاملات و ارائه قوانین اقتصادی متناسب با آموزه‌های اسلامی برآمد. بدین منظور، لازم شد با پیش‌بینی مقاومت‌های احتمالی از ناحیه منفعت‌طلبان اقتصادی دوره قبل، شیوه‌های مدیریتی مناسبی جهت نیل به اهداف اقتصاد اسلامی، به کار برده شود.

### موقعیت‌سنجی پیامبر ﷺ در تأسیس بازار مدینه<sup>۱</sup>

مقررات و نوع معاملات حاکم بر بازارهای مدینه در قبل از اسلام، نشان می‌دهد که با وجود اینکه خواسته‌های اقلیت ثروتمند و مسلط بر بازار برآورده می‌شد، اما بخش‌های وسیعی از جامعه از این‌گونه معاملات متضرر می‌شدند. با این حال، نیاز آنان به کسب معاش و تأمین مایحتاج زندگی، سبب می‌شد که به این‌گونه معاملات تن در دهند. از آنجایی که رسالت پیامبر اکرم ﷺ با هدف برقراری عدالت و قسط صورت گرفته بود، لذا ایشان با شناخت هدف و اتخاذ شیوه‌های مناسب، پس از تشکیل حاکمیت در مدینه و نوع برخوردهای یهودیان با مسلمانان در بازار، تصمیم به تأسیس بازار مدینه و یا به عبارتی بازار مسلمانان گرفتند.

مهم‌ترین عاملی که می‌توانست این تصمیم را با موفقیت همراه سازد، تعیین مکان بازار متناسب با موقعیت شهر مدینه بود. در چنین شرایطی، مدیریت صحیح، مستلزم آگاهی از کلیه عوامل سازمانی از قبیل: عوامل خارجی، داخلی و محیطی بود،<sup>۲</sup> که می‌توانست در برگیرنده تهدید و نفوذ غیرمسلمانان بر بازار، تأثیر مسلمانان بر بازارهای داخلی مدینه و میزان بازدهی آنها، تأثیر محیط و موقعیت جغرافیایی بر رونق و یا کساد بازار باشد. شناخت این عوامل جهت اتخاذ شیوه‌های صحیح مدیریتی برای نیل به اهداف مورد نظر ضروری بود.

شواهد نشان می‌دهد که رسول اکرم ﷺ در سازمان‌دهی بازار، این عوامل را مدنظر قرار داده و به مدیریت آنها پرداخته است. ایشان برای تعیین مکان بازار در ابتدا موقعیت‌سنجی به عمل آورد و متناسب با عوامل خارجی موجود که موضع‌گیری منفی یهودیان بود، مکان آن را مشخص نمود. بنا به گفته «ابن شبه نمیری»، ایشان در ابتدا به بازار بنی‌قینقاع رفت و پس از آن بازار مدینه را مورد سنجش قرار داد و در این مکان بود که پای بر زمین کوبید و فرمود: «این بازار شماسه؛ مباد در

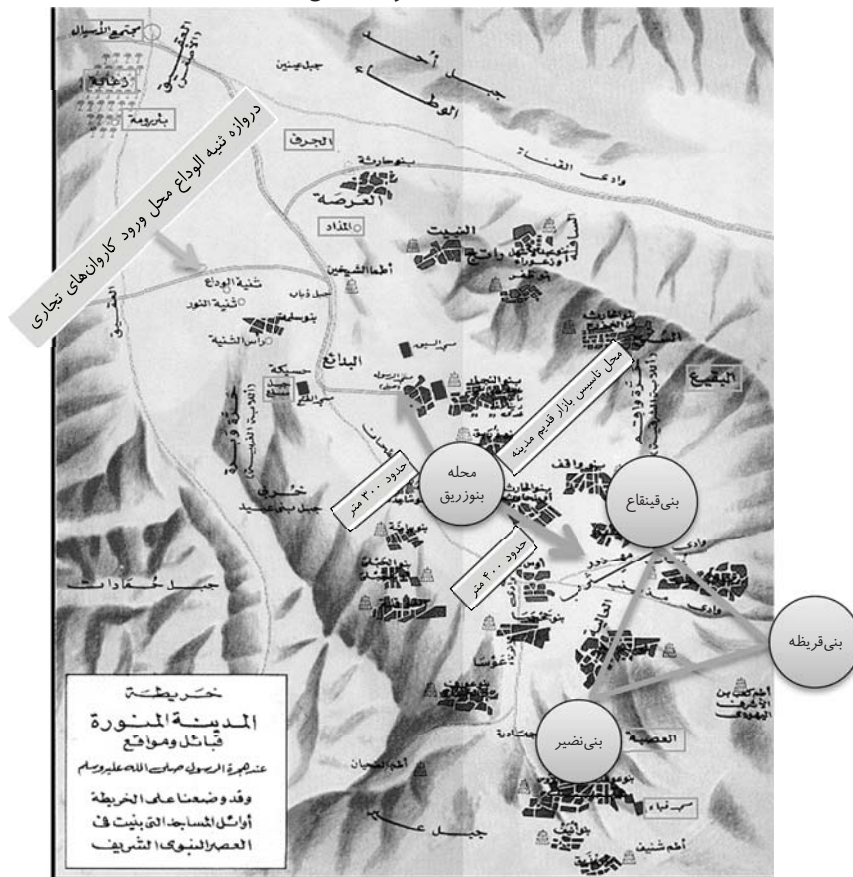
۱. ابن شبه در وجه تسمیه بازار مدینه از عایشه نقل کرده که به بازار مدینه «بقیع الخیل» می‌گفتند. امام شافعی نیز با این بیان «تسمیه سوق المدینه بالبطحا» وجه تسمیه بازار مدینه را بطحاء دانسته و با روایتی از امام صادق علیه السلام گفته است که پیامبر ﷺ در روز جمعه خطبه می‌خواند و برای آنان بازاری بود که به آن بطحاء می‌گفتند. (ابن شبه، تاریخ المدینه المنوره، ج ۱، ص ۳۰۶)

۲. تبریزی، تئوری‌های مدیریت، ص ۲۵ - ۲۴.

شیوه‌های مدیریتی پیامبر ﷺ در هم‌گرا کردن بازار مدینه ... □ ۱۳

اینجا سخت بگیرند یا خراج گرفته شود.»<sup>۱</sup> در روایتی دیگر آمده است که پیامبر اکرم ﷺ در «بقیع الزبیر»،<sup>۲</sup> چادری برپا کرد<sup>۳</sup> و بازار مسلمانان را در آنجا قرار داد. در نقشه جغرافیایی با کمک فاصله‌یابی نقشه، مشخص شد که این مکان در حدود ۳۰۰ متری شرق مسجدالنبی و ۴۰۰ متری غرب محله بنی‌قینقاع که بازار یهودیان نیز در آنجا بوده، قرار داشته است.<sup>۴</sup> ترسیم موقعیت مکانی بازار اولیه مسلمانان بر روی نقشه مدینه، علت خصومت یهودیان با تأسیس بازار مدینه توسط پیامبر ﷺ را بهتر نشان می‌دهد.

**نقشه ۱: مکان اولیه بازار مدینه در شرق منازل بنی‌زریق و موقعیت آن نسبت به مسجدالنبی و محله‌های یهودی نشین**



۱. ابن شیهه نمیری، تاریخ المدينة المنورة، ج ۱، ص ۳۰۴.
۲. بقیع زبیر جایی بود در مجاورت منازل بنی‌غنم و در شرق منازل بنی‌زریق.
۳. سمهودی، وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفى، ج ۴، ص ۳۲.
۴. اطلاعات مربوط به فاصله مکان‌های روی نقشه از فاصله‌یابی نقشه‌ها در نرم افزار نورالسیره گرفته شده است.

موقعیت بازار قدیم مدینه نشان می‌دهد، این بازار در محل ورودی کاروان‌های تجاری به سمت محله‌های یهودی‌نشین که به صورت مثلث و مرتبط به هم قرار گرفته بودند، ایجاد شد. این محل بیشتر به دروازه جنوبی مدینه که معطوف به محله قبا می‌شد، قرار داشت، اما از آنجایی که این محله در مسیر کاروان‌های تجاری قرار نداشت، آنها مجبور بودند برای ورود به بازار یهودیان، از محله‌های مسکونی عبور کنند. از طرفی موقعیت بازار مسلمانان تهدیدی جدی برای بازار یهودیان بود که در محله‌های یهودی‌نشین قرار داشت. در چنین شرایطی بود که کعب بن اشرف طناب‌های بازار مسلمانان را پاره کرد. پس از این حادثه، پیامبر ﷺ در یک اقدام مدیریتی و به موقع به تغییر مکان بازار و تأسیس بازار جدید مبادرت نمود.<sup>۱</sup>

موقعیت مکانی بازار نشان می‌دهد که رسول اکرم ﷺ با شناخت عوامل محیطی و موقعیت‌سنجی آن نسبت به مسیرهای تجاری و منازل مسکونی، اقدام به تعیین مکان جدید آن نموده بود. این بازار در غرب مسجدالنبی و در محلی قرار داشت که از یک طرف به شام و از طرف دیگر به یمن، مکه و قبایل مجاور متصل می‌شد. به عبارتی دیگر، این مکان را می‌توان دروازه اصلی شهر مدینه نامید که مدخل ورودی تجار و بازرگانان به مدینه بود.<sup>۲</sup>

طراحی بازار مدینه در ابتدا در فضایی وسیع و بدون ساختمان صورت گرفت. بنابر روایت «سمهودی» طول بازار بیشتر از عرض آن بود و در منطقه معروفی که بعدها «مناخه» نامیده می‌شد، قرار داشت. این منطقه از مرز شمالی تا «مصلی العید» و تا منطقه «جرار سعد» در محله «بنی ساعده» نزدیک «ثنية الوداع» در شمال مدینه امتداد داشت. محل بازار در «جرار سعد» مقبره‌های قدیمی «بنی ساعده» بود که آن را به پیامبر ﷺ بخشیده بودند و ایشان نیز آن را به بازار اختصاص داد.<sup>۳</sup> به این ترتیب، جهت شرقی و غربی بازار مدینه بین وادی بطحان و کوه سلع بوده و جهت جنوبی و شمالی نیز از جنوب مسجد غمامه تا شمال محله بنی ساعده امتداد داشته است.

ترسیم موقعیت بازار مدینه بر روی نقشه جغرافیایی شهر، نمود بارزی از هوشمندی پیامبر اکرم ﷺ در تعیین مکان آن را نشان می‌دهد. از آنجایی که بازار مدینه بر روی نقشه جغرافیایی ترسیم نشده، لذا با استفاده از اطلاعات و مشخصات مذکور توسط «ابن شبه نگیری» و «سمهودی» می‌توان موقعیت احتمالی آن را بر روی نقشه مدینه به شکل زیر نشان داد.

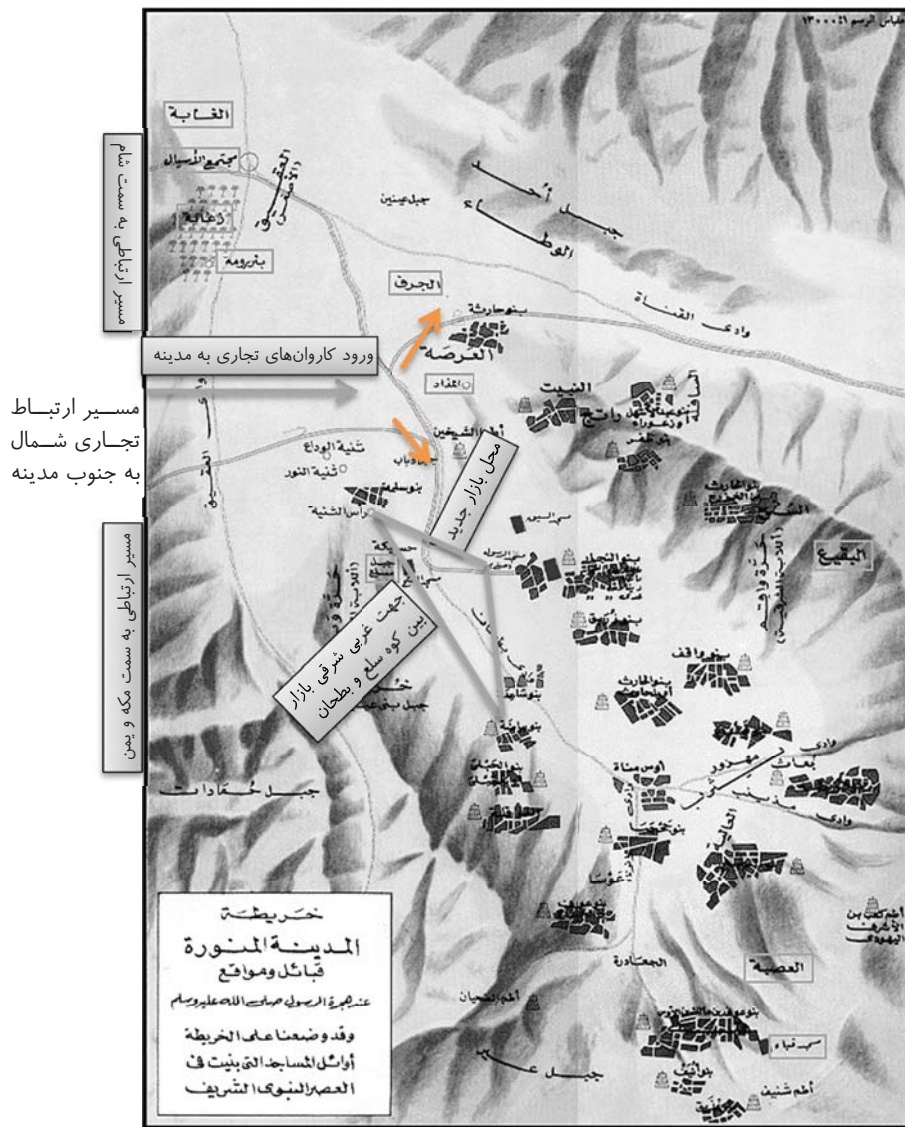
۱. مرجانی، بهجة النفوس والاسرار فی تاریخ دار هجرة النبی المختار، ج ۱، ص ۶۰۹.

۲. ابن‌ادریس، جامعه مدینه در عصر نبوی، ص ۲۱۵.

۳. سمهودی، وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفى، ج ۲، ص ۲۵۷؛ اسکندری، الامکنة و المیة و الجبال و الاثار، ج ۱، ص ۴۳۷؛ خیاری، تاریخ معالم المدینة المنورة قدیما و حدیثا، ج ۲، ص ۸۲.



**نقشه ۲: موقعیت بازار جدید مدینه نسبت به مسیر ارتباط تجاری شمال به جنوب**



بدین ترتیب، بازار مدینه در نقطه ورودی و جدای از محله‌های مسکونی در مسیر گذرگاه تجاری شمال و جنوب واقع شده بود و این امر می‌توانست به رونق بازار مسلمانان که به روایتی پیامبر ﷺ آن را به مسلمانان صدقه داده بود،<sup>۱</sup> کمک کند.

۱. ابن شیه، تاریخ المدينة المنورة، ج ۱، ص ۳۰۴.

### سازمان‌دهی بازار مدینه توسط پیامبر ﷺ

مرحله دیگر شیوه مدیریتی رسول اکرم ﷺ در بازار مدینه، سازمان‌دهی آن بود. در این مرحله، تدابیر اصولی از قبیل: تشکیلات منظم و مرتب، تعیین وظایف و مسئولیت‌ها، وحدت رویه و اتخاذ تصمیم صحیح ضرورت می‌یابد.<sup>۱</sup> سازمان‌دهی از حساس‌ترین مراحل مدیریتی است که دقت و تیزبینی خاصی می‌طلبد؛ زیرا تشکیلات منظم و تعیین مسئولیت‌ها می‌بایستی متناسب با نیاز جامعه، شناسایی و اعمال شود.<sup>۲</sup> در غیر این صورت، بی‌نظمی و آشفتگی ایجاد شده و زمینه مناسب را برای اجرای مرحله بعد که کنترل و نظارت می‌باشد، با مشکل مواجه می‌سازد.<sup>۳</sup>

این بخش از شیوه مدیریتی پیامبر ﷺ در بازار مدینه را می‌توان در تشخیص به موقع نیاز مسلمانان به بازاری مستقل و ایجاد تشکیلات منظم با مشخص شدن جایگاه اصناف در بازار مشاهده نمود. پیامبر اکرم ﷺ در راستای استقلال مالی و اقتصادی مسلمانان مدینه، به این بخش توجه نمود و پس از تأسیس بازار، تشکیلات منظم آن را در قالب تعیین جایگاه اصناف نشان داد.

روایات متعدد نشان می‌دهد که بازار مدینه به قسمت‌های مختلفی تقسیم شده بود و در آن انواع کالاها از قبیل: مواد خوراکی، انواع لباس و جامه،<sup>۴</sup> دام و فرآورده‌های دامی، محصولات کشاورزی، ابزار و آلات جنگی و کشاورزی و ... خرید و فروش می‌شد. در بازار مدینه، به هر کدام از این بخش‌ها، مکان مشخصی اختصاص یافته بود. به‌عنوان مثال: بزازها که فروشندگان لباس بودند، در مکان مشخصی بودند و برخی از صحابه مانند «عثمان بن عفان» و «طلحة بن عبیدالله» به این کار اشتغال داشتند.<sup>۵</sup> خرید و فروش دام نیز با تفکیک دام‌ها در مکان مخصوصی از بازار صورت می‌گرفت. در این بخش از بازار، قبایل مجاور مدینه نقش اساسی داشتند. آنان کالاهای تولیدی خود را که بیشتر دام و فرآورده‌های دامی بود، به بازار مدینه عرضه و در آنجا به فروش می‌رساندند. قبیله بنی‌سلیم از جمله این قبایل بود که اسب، شتر، گوسفند و روغن را برای فروش به بازار مدینه آورده و شتر را به دینار می‌فروختند.<sup>۶</sup> قبیله بنی‌فزاره نیز اسب را به بازار عرضه کرده و پیامبر ﷺ اسبی به

۱. تبریزی، *تئوری‌های مدیریت*، ص ۲۸ - ۲۷.

۲. مقدس و کاشفی، *مدیریت: وظایف، طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری*، ص ۱۹ - ۱۸.

۳. همان.

۴. مواد دباغی مانند گیاهان دباغی بز که نوعی پوشش و جامه بود به فروش می‌رسید. (سمهودی، *وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفی*، ص ۲۵۸ - ۲۵۷)

۵. ابن‌قتیبه دینوری، *المعارف*، ص ۱۹۳.

۶. سمهودی، *وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفی*، ص ۲۶۱؛ طبرسی، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۷، ص ۲۵۸.

دو اوقیه نقره از آنان خریداری نمود.<sup>۱</sup> این بخش از معاملات اقتصادی در مکان جداگانه‌ای که مختص اسب بود و به «بقیع الخیل»<sup>۲</sup> مشهور بود، انجام می‌شد.<sup>۳</sup> علاوه بر آن، برای معامله شتر، گاو و گوسفند نیز قسمت جداگانه‌ای اختصاص یافته بود.<sup>۴</sup>

اصناف دیگری از قبیل، آهنگران، زرگران، حصیربافان و ... نیز در بازار به فعالیت می‌پرداختند. گفته شده «خباب بن ارت» که در مکه به شغل آهنگری اشتغال داشت، در مدینه نیز به این فعالیت ادامه داد و مورد تشویق پیامبر ﷺ قرار گرفت.<sup>۵</sup>

صنایع دستی و فروش محصولات آن از دیگر بخش‌های بازار مدینه بود. این صنایع که بیشتر شامل محصولات نخل از قبیل: سببافی، حصیربافی یا فروشندگی برگ خرما و ... بود، توسط مسلمانان عرضه می‌شد. صاحبان این مشاغل که سلمان فارسی نیز در زمره آنان بود را خواص می‌نامیدند.<sup>۶</sup> علاوه بر مردان، زنان نیز در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت داشتند و قرآن با تأیید این‌گونه فعالیت‌ها، بر مالکیت آنان بر اموال به دست آمده، تأکید نموده است. در این مورد می‌توان به آیه ۳۲ سوره نساء استناد جست:

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا.<sup>۷</sup>

در این آیه مشخص شده است که زنان همانند مردان مالک آن چیزی هستند که کسب می‌کنند. شواهد تاریخی نیز نشان می‌دهد که برخی از زنان به تولید صنایع دستی و خرید و فروش عطر می‌پرداختند.<sup>۸</sup> گفته شده که زینب، همسر رسول اکرم ﷺ پوست را دباغی می‌کرد و درآمد حاصل از آن را در راه خدا صدقه می‌داد.<sup>۹</sup>

۱. ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۳۸۰.

۲. بقیع الخیل در شرق مدینه مجاور مصلی قرار داشت.

۳. سمهودی، وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفی، ج ۴، ص ۳۳؛ اسکندری، الامکنه و المیاه و الجبال و الاثار، ج ۱، ص ۳۳۶.

۴. ابن حجر، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۱ ص ۲۴.

۵. ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ج ۱، ص ۵۵ - ۵۴؛ ابن اثیر، اسدالغابه فی معرفه الاصحاب، ج ۱، ص ۵۱ - ۴۹.

۶. عباس، تخرج الدلالات السمعیه، ج ۹، ص ۷۲۴.

۷. و آنچه را خدا به سبب آن، برخی از شما را بر برخی [دیگر] برتری داده، آرزو نکنید. برای مردان از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است و برای زنان [نیز] از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است؛ و خدا را از [ناحیه بخشش و] فضلش درخواست کنید، که خدا به هر چیزی داناست.

۸. ابن ادریس، جامعه مدینه در عصر نبوی، ص ۲۱۸.

۹. ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۱۱.

به این ترتیب، در بازار مدینه پس از تأسیس، اصناف مختلف با سازمان دهی و منفک بودن محل به فعالیت می‌پرداختند، اما برای اینکه زمینه سوء استفاده و ایجاد تورم یا افزایش قیمت‌ها و عرضه کالای نامرغوب صورت نگیرد، لازم بود مرحله دیگر مدیریتی که «نظارت و کنترل» بود، اجرا شود.

### نظارت و کنترل بر بازار مدینه

نظارت و کنترل، برای عملیاتی کردن هدف مورد نظر به صورت مطلوب انجام می‌شود.<sup>۱</sup> به عبارتی، این مرحله مدیریتی، براساس ضوابط و معیارهای مشخص و صدور فرامین و دستورات، صورت می‌گیرد.<sup>۲</sup> نظارت و کنترل در بازار مدینه با شیوه‌های مختلفی از قبیل: تعیین قوانین و مقررات مربوط به بازار، نظارت بر قیمت‌ها، کیفیت کالا، جلوگیری از ایجاد بازار سیاه، دلال بازی و ... صورت می‌گرفت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بازار مدینه برخلاف بازار مکه که عاملی بر آن گماشته بود، متولی تعیین نکردند، بلکه شخصاً به همراه چند تن از صحابه به نظارت بر بازار پرداختند.<sup>۳</sup> این امر نشان می‌دهد برخلاف دوره قبل که بازارها در انحصار خاندان‌های خاصی بود و در موارد متعدد بنابر سلیقه خود عمل می‌کردند، بازار مدینه اولین بازار دولتی بود که مستقیماً از ناحیه حاکمیت اداره و کنترل می‌شد. مهم‌ترین مواردی که توسط پیامبر صلی الله علیه و آله تحت نظارت و کنترل قرار گرفت، عبارت بودند از: «کیفیت کالا»، «کنترل قیمت‌ها»، «مقابله با احتکار کالا»، «مبارزه با دلال بازی»، «تعیین اوزان و پیمانه‌ها» و ... ، که تلاش گردید با حفظ قوانین و مقررات اسلامی صورت گیرد.

**کیفیت کالاها:** عرضه کالای مرغوب یکی از مواردی بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آن اهمیت می‌داد و شخصاً این مسئله را در بازار بررسی و در صورت مشاهده موارد تخلف، با متخلفان برخورد می‌کرد. گفته شده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله روزی از کنار مردی عبور کرد که غذایی می‌فروخت، ایشان دست در غذا فرو برد و متوجه شد که تقلبی است، فرمود کسی که در کار خود تقلب کند از ما نیست.<sup>۴</sup> در روایت دیگر آمده است: «پیامبر صلی الله علیه و آله در بازار مدینه از کنار طعمی گذر کرد، به صاحب آن فرمود، طعام تو را جز پاکیزه و خوب نمی‌بینم. در همان حال خداوند به ایشان وحی کرد که دست به زیر طعام ببرد، حضرت چنین کرد و طعام پستی بیرون آورد، به صاحب طعام فرمود؛ نمی‌بینم تو را جز آنکه خیانت و فریبکاری را برای مسلمانان گرد آورده‌ای.»<sup>۵</sup> این روایت نشان می‌دهد که عرضه

۱. تبریزی، *تئوری‌های مدیریت*، ص ۳۰.

۲. همان، ص ۵۰.

۳. ابن‌ادریس، *جامعه مدینه در عصر نبوی*، ص ۲۱۷.

۴. سمهودی، *وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفی*، ج ۲، ص ۲۶۲.

۵. انصاری، *کتاب المکاسب*، ص ۲۷۶.

کالای نامرغوب به معنای خیانت کردن به مسلمانان بود و رسول اکرم ﷺ این افراد را هم‌سان با خائن‌ان قرار داده است. ایشان جهت جلوگیری از چنین اقداماتی و برای اهمیت دادن به کیفیت کالاها، قوانین و مقرراتی وضع نمود که به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

۱. منع فروش محصولات نارس، مگر اینکه کالا رسیده باشند؛<sup>۱</sup>
۲. اگر کسی درخت نخل شکوفه‌دار را می‌فروخت میوه از آن فروشنده بود، مگر آنکه با خریدار شرط کرده باشد؛<sup>۲</sup>

۳. فروش انواع صیفی‌جات تا زمانی که رسیده و خوب نبودند، ممنوع بود.<sup>۳</sup>

بدین ترتیب در آموزه‌های اسلامی به کیفیت کالا و عرضه کالای مرغوب به بازار اهمیت داده می‌شد و با این دستورالعمل تلاش گردید از عرضه کالای نامرغوب در بازار مدینه ممانعت به عمل آید. کنترل قیمت‌ها: مورد دیگری که تحت نظارت شخص رسول الله ﷺ و دو تن از صحابه در بازار انجام می‌گرفت، «کنترل قیمت‌ها» و جلوگیری از «احتکار کالا» بود. ایشان برای انجام این کار، «سعید بن عاص» و «عمر بن خطاب» را به‌عنوان ناظر بازار تعیین کرد و علاوه بر آنان، شخصاً نیز وضعیت بازار را بررسی می‌نمود.<sup>۴</sup> این نظارت سبب کنترل بر نحوه عرضه کالا و خرید و فروش آن می‌شد.<sup>۵</sup> از جمله این موارد، احتکار و دلالی بود که از عوامل تأثیرگذار بر افزایش قیمت‌ها محسوب می‌شد. گفته شده «حکیم بن حزام» از جمله کسانی بود که هرگاه گندم و خواربار به مدینه وارد می‌شد، یکجا همه را می‌خرید و انبار می‌کرد تا در صورت گران شدن، آن را به فروش برساند.<sup>۶</sup> رسول اکرم ﷺ با این شیوه اقتصادی مقابله و در یک اقدام پیشگیرانه فرمان داد که انبارهای مغازه‌داران به محل فروش منتقل شود و در معرض دید عموم قرار گیرد.<sup>۷</sup> ایشان با این شیوه امکان

۱. قزوینی، سنن ابن‌ماجه، ج ۲، ص ۷۴۶؛ ابن‌انس، الموطأ، ج ۲ - ۱، ص ۳۹۳ - ۳۹۲.

۲. همان.

۳. همان.

۴. در یک مورد پیامبر از کنار مردی می‌گذشت که مواد خوراکی می‌فروخت، فروشنده چیز تقلبی را وارد آن کرد و پیامبر ﷺ فرمود کسی که در کار خود تقلب کند از ما نیست. (ابن‌اثیر، اسدالغابة فی معرفة الاصحاب، ج ۳، ص ۲۶۵)

۵. روایتی از ابوسعید خدری آمده است که آنها خرماهای مخلوط استفاده می‌کردند. آنان برای این کار دو صاع خرما مخلوط را در مقابل یک صاع خرمای خوب داد و ستم می‌کردند. پیامبر این نوع معامله را درست ندانست. (صدر، اقتصاد صدر اسلام، ص ۱۷۹)

۶. سمهودی، وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفی، ج ۴، ص ۳۶۱ - ۳۵۸.

۷. ابن‌سعد، طبقات الکبری، ج ۴، ص ۱۲۳؛ مقریزی، امتاع الاسماع، ج ۹، ص ۳۹۲؛ بلاذری، انساب الاشراف،

ص ۵۶ - ۵۵.

پنهان کاری و انبار کالا برای فروشندگان باقی نگذاشت.

**دلالی و واسطه‌گری:** مسئله دیگری که در دوره جاهلیت، متأثر از روابط تجاری در نظام اقتصادی رایج شده بود، «دلالی و واسطه‌گری» بود، که ثبات قیمت‌ها را برهم می‌زد و باعث می‌شد مردم با وجود امکان خرید کالا به قیمت ارزان‌تر، آن را با قیمتی بیشتر از واسطه‌گران خریداری کنند. این مسئله از آنجا ناشی می‌شد که در دوره جاهلیت و اوایل دوره اسلامی، واسطه‌گران و دلالان به استقبال کاروان‌های تجاری رفته و کالاها را با قیمت پایین از آنها خریداری می‌کردند و سپس با قیمتی بیشتر در مدینه به فروش می‌رساندند که باعث می‌شد ثبات قیمت‌ها برهم ریخته و مردم هزینه بیشتری برای تهیه کالا صرف کنند. رسول اکرم ﷺ، مسلمانان را از هرگونه دلال بازی برحذر داشت و فروش هر نوع کالایی تا قبل از رسیدن کاروان تجاری به شهر مدینه را ممنوع کرد.<sup>۱</sup> این اقدام از آنجا ناشی می‌شد که در یک روز جمعه ایشان مشغول بیان خطبه نماز بود، که کاروان تجاری وارد مدینه شد و مردم طبق معمول زمان‌های پیشین به سوی کاروان می‌دویدند و فقط چند نفری با پیامبر ﷺ باقی ماندند. در این مورد آیه ۱۱ سوره جمعه نازل شد.<sup>۲</sup>

وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ.<sup>۳</sup>

پس از نزول این آیه رسول اکرم ﷺ تأکید کردند که مردم به استقبال کاروان‌های تجاری نروند و شهری برای روستایی متصدی خرید و فروش نشود.<sup>۴</sup>

علاوه بر آن، با این‌گونه افراد نیز برخورد قانونی صورت می‌گرفت. در صحیح مسلم از «سالم بن عبدالله بن عمر» روایت شده که در زمان پیامبر اکرم ﷺ هرگاه خوراکی به قیمت گزاف معامله می‌شد، معامله‌گران را می‌زدند تا کالا را به کاروان برگردانند تا در بازار معامله شود.<sup>۵</sup> این اقدام می‌توانست بر کنترل قیمت‌ها و ثبات اقتصادی جامعه تأثیرگذار باشد. علاوه بر آن، تولیدکنندگان و فروشندگان نیز متضرر نمی‌شدند. همچنین پیامبر ﷺ از معامله افراد شهری با افراد بدوی (بی‌خبر از بازار)

۱. نيسابوری، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۳۴۱ - ۳۴۰.

۲. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۴۳۳.

۳. و هنگامی که داد و ستد یا سرگرمی‌ای را می‌بینند، به‌سوی آن پراکنده می‌شوند، درحالی‌که تو را ایستاده وامی‌گذارند؛ بگو: «آنچه نزد خداست از سرگرمی و از داد و ستد بهتر است؛ و خدا بهترین روزی‌دهندگان است».

۴. ابن‌بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۰ - ۳۶۹.

۵. نيسابوری، صحیح مسلم، ج ۵، ص ۸.

نهی می‌کرد. مگر آنکه سمسار یا دلالی در بازار می‌بود و عقد معامله میان مشتری و فروشنده را با دریافت مزدی انجام می‌داد.<sup>۱</sup>

علاوه بر برخوردهای عملی، ایشان در روایت‌های مکرر با فریبکاران و محتکران نیز برخورد می‌کرد و حتی آنان را در ردیف یهودیان و کافران قرار داد.<sup>۲</sup> در *عقاب الاعمال* از پیامبر اکرم ﷺ روایت شده است: «هر کس مسلمانی را در خرید و فروش فریب دهد، از ما نیست و روز قیامت با یهود محشور می‌شود» و سه بار این عبارت را تکرار فرمود و سپس در ادامه فرمود: «کسی که برادر مسلمانش را فریب دهد، خداوند برکت را از روزی او برمی‌دارد و معیشت بر او فاسد می‌کند و او را به خودش وامی‌گذارد.» این روایت نمود بارزی از کراهت فریبکاری در معاملات را در آموزه‌های اسلامی نشان می‌دهد. در برخورد با محتکران نیز رسول اکرم ﷺ علاوه بر برخورد عملی در بعد نظری نیز بارها این عمل را مورد سرزنش قرار دادند و در روایت‌های متعددی به لعن آنان پرداختند. از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: «الجالب مرزوق والمحتکر ملعون».<sup>۳</sup>

در روایت دیگری آمده است که رسول خدا ﷺ گفت: «من احتکر علی المسلمین طعاما ضرب الله بالجذام والافلاس»<sup>۴</sup> این برخوردها نشان دهنده مطرود بودن عمل احتکار در جامعه عصر نبوی است. **اوزان و پیمان‌ها:** بخش دیگری از کنترل و نظارت بر بازار که توسط رسول اکرم ﷺ صورت می‌گرفت، نظارت بر «اوزان و پیمان‌ها» بود. قبل از اسلام در بازار، نظارتی بر پیمان‌ها و اوزان وجود نداشت، این مسئله سبب شد اوزان‌ها و پیمان‌ها مختلف باشد و وزن واحدی در بازارها وجود نداشته باشد. چنین شرایطی عامل مهمی در کم‌فروشی و اجحاف در خرید و فروش می‌شد. گفته شده تاجران مدینه تا زمان هجرت پیامبر ﷺ بدترین مردم در وزن کردن بودند. از جمله آنان شخصی به نام ابوجهینه بود که دو پیمان‌ه داشت، با یکی برای خود تمام و کامل پیمان‌ه می‌کرد و

۱. در کتاب *اوتل سیوطی* به نقل از ابن‌ماجه و طبرانی آمده است که معامله‌گران را در زمان رسول الله ﷺ سمسار می‌نامیدند و پیغمبر ﷺ نام بهتری نهاد و فرمود: ای گروه تاجران! در معامله سوگند و سخن بیهوده گفته می‌شود، آن را با صدقه بیامیزید. گفته شده پیغمبر ﷺ اولین کسی بود که معامله‌گران را تجار نامید. احتمالاً کلمه سمسار در عصر نبوی بر نقص دلالت می‌کرده است. (قزوینی، *سنن ابن‌ماجه*، ج ۲، ص ۷۲۵؛ کنانی، *نظام الحکومة النبویه*، ج ۲، ص ۲۴)

۲. به گفته سمهودی در روایتی آمده است: «که پیامبر ﷺ از کنار مردی عبور می‌کرد که غذایی می‌فروخت که قیمت آن بالاتر از قیمت بازار بود. پیامبر ﷺ فرمود آیا به قیمتی بالاتر از قیمت بازار ما غذا می‌فروشی؟ و پس از آن افزود همانا محتکر در بازار ما مانند کافر در کتاب خداست.» (سمهودی، *وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفی*، ج ۲، ص ۲۶۲)

۳. گفته شده که سند این حدیث ضعیف است. (قزوینی، *سنن ابن‌ماجه*، ج ۲، ص ۷۲۸)

۴. همان.



با دیگری برای خریدار کمتر و کوچکتر وزن می‌کرد.<sup>۱</sup> در این خصوص خداوند «سوره مطففین» را نازل کرد و دستور داده شد، آنان پیمان‌های خود را اصلاح کنند.

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ \* الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ \* وَإِذَا كَالُواهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ \* أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ.<sup>۲</sup>

در شأن نزول این سوره گفته شده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای سامان بخشیدن به اوزان و رعایت حقوق خریدار، به تعیین اوزان<sup>۳</sup> و فروش محصولات براساس اوزان تعیین شده پرداخت. ایشان فروش هرگونه مواد خوراکی بدون وزن کردن را منع نمودند.<sup>۴</sup> علاوه بر آن، از وزن کردن کالا با کالای غیر هم‌جنس جلوگیری نموده و تأکید داشتند که هر کالا با کالای هم‌جنس خود وزن شود. چنان‌که در فتح خیبر شمش طلایی را در قبال طلای بیشتری خریدند و پیامبر صلی الله علیه و آله با اظهار شگفتی از این اتفاق، برای تعدیل این نوع معاملات فرمود: «طلا را با هم‌وزن آن از طلا مبادله کنند.»<sup>۵</sup> در روایت دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است: «که دینار را با دینار و درهم را با درهم معامله کنید.»<sup>۶</sup>

از دیگر اوزان رایج در بازار مدینه «مثقال، درهم و دینار» بود. درهم و دینار نیز در وزن کشتی به کار می‌رفت. علاوه بر آنها، مردم مدینه با اوقیه که احتمالاً برابر با چهل درهم بوده نیز معامله می‌کردند و

۱. تطفیف کم کردن و کم کشیدن، به معنی چیز اندک و کم نیز می‌گفتند. (طبرسی، مجمع البیان، ج ۲۶، ص ۳۶۲؛

طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۶، ص ۳۶۳ - ۳۶۲)

۲. وای بر کم‌فروشان! [همان] کسانی که وقتی از مردم پیمان‌ها می‌گیرند، به طور کامل می‌گیرند؛ [ولی] هنگامی که برای آنان پیمان‌ها می‌کنند یا برای آنان وزن می‌کنند، [می‌کاهند و] خسارت می‌زنند. آیا آنان نمی‌دانند که آنان برانگیخته می‌شوند. (مطففین (۸۳): ۴ - ۱)

۳. پیامبر وزن را برای اهل مکه و مکیال را برای اهل مدینه قرار داد. (ابی‌داوود، سنن ابی‌داوود، ج ۳، ص ۲۱۰)

۴. از ابن عمر نقل شده که در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله کسانی که بدون وزن و از روی تخمین مواد خوراکی را می‌خریدند و قبل از وزن، آن را به دیگران می‌فروختند، تنبیه می‌شدند. همچنین ایشان فروش طلا در مقابل طلا، گندم در مقابل گندم، خرما در مقابل خرما و جو در مقابل جو را با دانستند. (نیسابوری، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۳۴۱)

۵. فضالہ بن عبید گوید: سهم من در آن روز قلاده زرینی شد که به هشت دینار فروختم و چون این مطلب را به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتم، فرمود: چون در آن قلاده طلا و فلزهای دیگر به کار رفته بود، آن معامله را برهم بزن. دو نفر که نامشان سعد بود شمش طلایی را با طلا خریده بودند که وزن یکی از دیگری بیشتر بود، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود ربا خورده‌اید و این معامله را بر هم بزنید! مردی هم در خرابه‌ای دویست درهم پیدا کرد و رسول خدا صلی الله علیه و آله خمس آن را برداشت و بقیه را به او مسترد فرمود. (ابن‌انس، الموطأ، ج ۲ - ۱، ص ۳۹۶؛ واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۶۸۸)

۶. همان، ص ۴۰۱.



در وزن کشتی به کار می‌بردند. «مد»، «صاع»،<sup>۱</sup> «فرق»، «عرق»، «وسق» و «قنطار» — که در نزد اعراب برابر با مال بسیار بود و در عصر پیامبر ﷺ معادل هزار و دویست اوقیه می‌شد — از دیگر پیمان‌های رایج مردم مدینه بود.<sup>۲</sup>

علاوه بر اوزان، مردم مدینه در کار سکه و صرافی نیز بودند و نه تنها با آن به تجارت می‌پرداختند، بلکه ربا نیز انجام می‌دادند، که خداوند در آیه ۲۷۵ سوره بقره حکم آن را روشن نمود.

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ.<sup>۳</sup>

با نزول این آیه هرگونه ربا خواری منع و حرام اعلام شد.

این شیوه‌های مدیریتی و تلاش جهت اجرایی کردن آنها در جامعه مدینه، سبب شد بازار مسلمانان رونق گیرد و در نتیجه آن، استقلال مالی مسلمانان نیز حفظ شود. به همین علت بود که برخی از مسلمانان به‌ویژه مهاجرانی که سرمایه خود را از دست داده بودند، دوباره صاحب مال و ثروت شوند. گفته شده «عبدالرحمن بن عوف» که سابقه تجارت در دوره مکه نیز داشت، در بازار مدینه به خرید و فروش پرداخت و ثروتمند شد تا آنجا که هفتصد بار شتر که حامل گندم، آرد و غذا بود، نزد وی می‌آمد.<sup>۴</sup> بنابراین بازار مدینه و سازوکارهای اداره آن در چرخه اقتصادی مسلمانان مورد توجه قرار گرفت و تلاش شد بهره‌برداری متناسب با موازین اسلامی از آن به عمل آید.

## نتیجه

همان‌طور که گفته شد، سابقه بازار در جزیره‌العرب به دوره قبل از اسلام برمی‌گردد. این بخش یکی

۱. صاع مدینه چهار مد به مدهای پیامبر ﷺ بود. هر مد یعنی دو دست به‌طور متوسط با هم از خوراکی پر می‌کردند. (کتانی، نظام الحکومة النبویه، ص ۳۲۷)

۲. مد چهار مشت یک مرد متوسط بود که دستانش گشوده و انگشتانش باز یا بسته نباشد. صاع چهار مد است. فرق به اندازه ۱۶ رطل بود و عرق معادل ۱۵ تا ۲۰ صاع و وسق معادل ۶۰ صاع بود. (ابی‌داوود، سنن ابی‌داوود، ج ۲، ص ۱۲۷)

۳. کسانی که ربا می‌خورند، بر نمی‌خیزند، مگر همانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، دیوانه [و آشفته‌سراسر] کرده است. این بدان سبب است که آنان گفتند: «معامله فقط همانند ریاست.»؛ حال آنکه خدا معامله را حلال کرده و ربا را حرام نموده است. و هر کس پندی از جانب پروردگارش به او رسد و [به رباخواری] پایان دهد، پس آنچه [از سود در] گذشته [به دست آورده] فقط از آن اوست و کارش با خداست؛ و [الی] کسانی که [به رباخواری] بازگشتند، پس آنان اهل آتش‌اند [و] در آنجا ماندگارند.

۴. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۸۱.

از بخش‌های مهم اقتصادی بود که در مناطق مختلف مکه و مدینه که بر سر مسیرهای تجاری قرار داشتند، برپا می‌شد. پس از اسلام نیز لزوم وجود چنین مکان‌هایی برای رونق اقتصادی و رفع مایحتاج مردم احساس می‌شد. اما در آموزه‌های دینی اسلام، سازوکارهای اداره بازار در دوره قبل، مورد پذیرش واقع نشد و سازوکارهای جدیدی متناسب با آموزه‌های اسلامی که بر لزوم برپایی قسط و عدل در جامعه تأکید داشتند، احساس می‌شد. در راستای این هدف و متناسب با خط مشی‌های اسلامی، به این بخش از اقتصاد توجه شد. هدف دیگری که رسول اکرم ﷺ در تأسیس بازار مدینه پی‌گیری نمودند، لزوم استقلال مالی و اقتصادی مسلمانان در این بخش بود؛ زیرا وابستگی مسلمانان به بازار یهودیان که در ابتدای هجرت، مشکلاتی نیز برای آنان ایجاد نمود، مانعی جدی در استقلال معاملاتی مسلمانان می‌شد. در راستای این اهداف، ایشان دو مسئولیت خطیر را برعهده داشتند و در جهت انجام آنها برآمدند. مسئولیت اول مقابله با سنت‌های اقتصادی گذشته که هم‌زمان با ورود ایشان به مدینه همچنان توسط مردم اعمال می‌شد، و مسئولیت دیگر ارائه آموزه‌های اقتصاد اسلامی و تلاش جهت اجرایی کردن آنها در جامعه بود. در کنار این مسائل، قدرت اقتصادی یهود و تسلط آنان بر بخش‌های اقتصادی مدینه از جمله بازار، مانع جدی برای تحقق هدف مورد نظر محسوب می‌شد. بر این اساس نخستین چالشی که پیامبر ﷺ برای استقلال اقتصادی مسلمانان در بخش بازار با آن مواجه بودند، دخالت و نفوذ یهودیان بود. این اقدام با تدابیر زیرکانه رسول اکرم ﷺ در منفک کردن بازار مدینه و انتقال آن به مکانی که در مسیر تجارت قرار داشت، صورت گرفت. با این اقدام نه تنها بازار مسلمانان در مسیر رونق قرار گرفت، بلکه بازار رقیب (بازار یهودیان) را از رونق انداخت. اقدام دیگر مدیریتی وارد کردن مسلمانان در بازار و انجام فعالیت در راستای کسب و کار بود. این اقدام نیز با ایجاد فضای مناسب برای اصناف مختلف و عدم گرفتن مالیات و خراج از آنان صورت گرفت. این تدبیر به فعالیت اقتصادی مسلمانان کمک کرد، اما مهم‌ترین بخش در بازار مدینه، متناسب با آموزه‌های اقتصادی اسلام، در بخش کنترل و نظارت بود. این بخش از حساس‌ترین بخش‌های اقتصادی جامعه محسوب می‌شد؛ زیرا بیشترین حق‌کشی و اجحاف در این بخش صورت می‌گرفت و می‌توانست منشأ مهمی برای ایجاد بازاری ناسالم در جامعه باشد. این بخش نیز توسط رسول اکرم ﷺ مورد کنترل قرار گرفت و با ساز کارهای اجرایی از قبیل: نظارت و کنترل بر کالاها و قیمت‌ها تلاش شد، بازار مدینه متناسب با اصول و آموزه‌های اسلامی باشد.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر، *اسدالغابه فی معرفة الاصحابه*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ ق.

۳. ابن ادريس، عبدالله عبدالعزيز، جامعه مدینه در عصر نبوی، ترجمه شهلا بختیاری، تهران، سمت، ۱۳۸۶.
۴. ابن انس، الموطأ، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی تا.
۵. ابن حبيب بغدادی، المحبر، بیروت، دار الافاق جدیده، بی تا.
۶. ابن حجر، الاصابه فی تمییز الصحابه، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۷. ابن سعد، طبقات الکبری، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ ق.
۸. ابن شبه نمیری، تاریخ المدینة المنوره، قم، دار الفکر، ۱۴۱۰ ق.
۹. ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ ق.
۱۰. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی تا.
۱۱. ابی داوود، سنن ابی داوود، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۴ ق.
۱۲. اجتهادی، ابوالقاسم، بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوران اموی، تهران، سروش، ۱۳۶۳.
۱۳. اسکندری، نصر بن عبدالرحمن، الامکنه و المیاه و الجبال و الاثار، ج ۱، ریاض، مرکز الملک فیصل للبحوث و الدراسات الاسلامیه، ۱۴۲۵ ق.
۱۴. افغانی، سعید، اسواق العرب فی الجاهلیه و الاسلام، قاهره، دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۱۵. انصاری، کتاب المکاسب، قم، المؤتمر العالمی بمناسبه الذکری المئویه الثانیه لمیلاد الشیخ الانصاری، قم، ۱۴۱۵ ق.
۱۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، الرياض، مکتبه الرشد، ۱۴۲۷ ق.
۱۷. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، انساب الاشراف، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ ق.
۱۸. تبریزی، کمال، تنوری‌های مدیریت، تهران، سازمان چاپ خوشه، ۱۳۵۲.
۱۹. توحیدی، ابوحیان، الامتاع و الموانسه، بیروت، مکتبه العصریه، ۱۴۲۴ ق.
۲۰. حموی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵.
۲۱. خیاری، احمد یاسین احمد، تاریخ معالم المدینة المنوره قديما و حديثا، ج ۱، عربستان، نشر عامه، ۱۴۱۹ ق.
۲۲. دینوری، ابن قتیبه، المعارف، القاهره، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۲.
۲۳. ذهبی، شمس‌الدین، سیر اعلام النبلاء، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ ق.
۲۴. زبیدی، سید مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
۲۵. سمهودی، نورالدین علی بن احمد، وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۶.
۲۶. صدر، کاظم، اقتصاد صدر اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴.

- ۲۶ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۸، تابستان ۹۶، ش ۲۷
۲۷. صدر، محمدباقر، *اقتصادنا*، دار المعارف للمطبوعات، ۱۹۸۰.
۲۸. صدوق، ابن بابویه، *من لا یحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
۲۹. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲.
۳۰. طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن، *الاستبصار فیما اختلف من الاخبار*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، بی تا.
۳۲. \_\_\_\_\_، *تهذیب الاحکام*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، بی تا.
۳۳. عباس، احسان، *تخرج الدلالات السمعیه*، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۴۱۹ ق.
۳۴. علی، جواد، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، بغداد، در العلم للملایین، ۱۳۴۷.
۳۵. قزوینی، محمد بن یزید، *سنن ابن ماجه*، بیروت، دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع، بی تا.
۳۶. کازمایر، لئونارد، *اصول مدیریت*، ترجمه اصغر زمردیان و آرمن مهروزان، تهران، انتشارات مرکز آموزش مدیریت سازمان اداری و استخدامی کشور، ۱۳۵۰.
۳۷. کتانی، عبدالحی، *نظام الحکومه النبویه*، بیروت، دار الارقم بن ابی الارقم، بی تا.
۳۸. کعکی، عبدالعزیز، *معالم المدینه بین العمارة و التاريخ*، بیروت، دار الهلال، ۱۴۱۹ ق.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۴۰. مرجانی، عبدالله بن عبدالملک، *بهبه النفوس و الاسرار فی تاریخ دار هجره النبی المختار*، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۲۰۰۲.
۴۱. مرزوقی، عمر فنجان و دیگران، *النظام الاقتصادي فی الاسلام*، مکتبه الرشد، ۱۴۳۵ ق.
۴۲. مقدس، جلال و مجتبی کاشفی، *مدیریت: وظایف، طرح ریزی، برنامه ریزی، تصمیم گیری*، تهران، انتشارات فروردین، ۱۳۶۸.
۴۳. مقریزی، احمد بن علی، *امتاع الاسماع*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ق.
۴۴. نبهانی، تقی الدین، *النظام الاقتصادي فی الاسلام*، بیروت، للطباعه و النشر و التوزیع، ۲۰۰۴ / ۱۴۲۵ ق.
۴۵. نظری، زهرا، *مدیریت اقشار آسیب پذیر اقتصادی در مدینه عصر نبوی*، استاد راهنما علی محمد ولوی، کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، گروه تاریخ، ۱۳۹۲.
۴۶. نیسابوری، ابی الحسین مسلم بن الحجاج القشیری، *صحیح مسلم*، بیروت، مؤسسه عزالدین للطباعه و النشر، ۱۴۰۷ ق.
۴۷. واقدی، محمد بن عمر، *المغازی*، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۹ ق.
۴۸. یعقوبی، احمد بن اسحاق، *البلدان*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق.

49. Patricia Crone, *Meccan trade and the Rise of Islam*, oxford, 1987.